

نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین‌الملل

عباس شجاعی^۱، زهرا قاسمی^{۲*}، فاطمه بیرجندی^۳

۱- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق

۲- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دکترا

۳- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی

z.ghasemi1986@yahoo.com

چکیده

آزادی‌های فردی و جمعی یکی از موضوعات مهم و اساسی در عرصه حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود که در اعلامیه و توصیه‌های منبعث از حقوق بین‌الملل بر رعایت آن به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر تأکید شده است. حتی توصیه‌ها و اعلامیه‌های موجود در زمینه آزادی‌های فردی و جمعی باعث چالش‌هایی میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دولت‌ها شده است؛ این مجادله در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق خصوصی دولت‌ها نمود بیشتری یافته است. در این میان، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به عنوان مبانی نظری حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند که هر کدام به نحوی بر آزادی‌های فردی و جمعی تأکید کرده‌اند. آزادی‌هایی نظیر حق آزادی بیان، مذهب، عقیده، اظهارات سیاسی، به عنوان مهم‌ترین ابعاد آزادی فردی به شمار می‌روند و در مقابل، آزادی اجتماعات، تشکیل اتحادیه، سندیکا، حق مالکیت عمومی، آموزش جمعی و برابر و ... نیز به عنوان ابعاد آزادی‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که در عرصه حقوق بین‌الملل بسیار مورد توجه هستند و به صورت سلبی و ایجابی، دولت‌ها موظف و ملزم به رعایت آن هستند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، آزادی فردی، آزادی جمعی، حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی

۱- مقدمه

عصر کنونی، عصر آزادی‌های فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. به طوری که کمتر دولت یا نظام سیاسی را مشاهده می‌کنیم که نسبت به این مسأله بی‌توجه باشد. حتی در دولت‌های اقتدارگرا نیز چنین وانمود می‌شود که حفظ آزادی‌های فردی و جمعی شهروندان برای دولتمردان مهم است. در این که حقوق بین‌الملل و اعلامیه‌هایی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر باعث توجه بیشتر به آزادی‌های فردی و اجتماعی در کشورهای مختلف جهان شده است، تردیدی وجود ندارد، اما نحوه مواجهه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی با این مسأله نیز مهم است. به طوری که برخی دولت‌ها، این اصول و قواعد بین‌المللی را ناهمخوان و ناسازگار با فرهنگ و حقوق داخلی خود تلقی می‌کنند. از سوی دیگر در مقابل، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق خصوصی نیز مشاهده می‌شود، که در واقع به نحوه تصمیم‌گیری‌های حقوقی یک کشور در رابطه با اتباع خود و حتی اتباعی که وارد این کشور می‌شوند، مربوط می‌شود. بنابراین تنوع دیدگاه‌های حقوقی ممکن است حقوق بین‌الملل را با چالش‌هایی روبرو سازد.

با این حال، حقوق بین‌الملل، عام و فراگیر است و اغلب در موضع‌گیری و تصمیمات نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، نهادهای زیرمجموعه آن نظیر شورای امنیت، شورای حقوق بشر، سازمان‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وابسته به این نهاد بزرگ بین‌المللی و ده‌ها نهاد غیردولتی و فراملی قابل مشاهده است. ضمن اینکه، حقوق بین‌الملل به دلیل تلاش برای گسترش صلح و امنیت بین‌الملل، ضرورتاً با مقوله آزادی سروکار دارد. به طوری که می‌توان درباره آزادی گفت، اجازه یافتن دولت‌ها به کنترل شهروندان ممکن است تبعات خطرناکی به بار آورد. مدافعان حقوق بین‌الملل در زمینه آزادی یادآور می‌شوند که اجازه یافتن حکومت‌ها برای کنترل گفته‌ها و نوشته‌ها خطرناک است. با این حال، عموماً موافقت وجود دارد که

[آزادی] بیان باید مشمول بعضی حدود باشد (جونز، ۱۳۹۰: ۵۵). چنان چه روشن است در عرصه بین الملل، این حدود توسط حقوق بین الملل بیان می شود و شرایط و قواعد آن نیز معلوم می گردد. به طوری که این محدودیت ها و امکان ها، بالاتر از قوانین و حقوق مطرح شده توسط دولت ها اعمال می شود.

به همین دلیل دغدغه دولت ها برای حفظ و رعایت آزادی های فردی و جمعی و همچنین سازش دادن حقوق داخلی خود با حقوق بین الملل، امری مهم و تأثیرگذار است. از این جهت که نهادهای بین المللی متولی آزادی های فردی و جمعی در صورت نقض موارد بیان شده، با اعمال فشار بر دولت های نقض کننده حقوق فردی و جمعی، سعی می کنند تا زمینه ای برای تحقق آزادی در سطح جهان فراهم آورند. به نظر می رسد حقوق بین الملل همچنان به عنوان یک تهدید و یک فرصت برای دولت های مختلف باقی می ماند. این چالش مخصوصاً برای نظام های سیاسی ای که حقوق بین الملل را ناسازگار با حقوق داخلی خود می دانند، محسوس تر است. به هر حال، نقض آزادی های فردی و جمعی از منظر حقوق بین الملل، چالشی اساسی محسوب می شود، زیرا عدم رعایت و پایبندی دولت ها بدان، خطری برای صلح و امنیت بین المللی محسوب می شود. در همین راستا نوشتار حاضر این سؤال را مطرح می کند: دلایل و توجیحات حقوق بین الملل در زمینه آزادی های فردی و جمعی چیست؟ فرضیه این است: مهم ترین توجیه حقوق بین الملل، فرا رفتن از رویکرد خودسرانه دولت ها در زمینه نقض حقوق بنیادین بشر نظیر آزادی های فردی و جمعی است.

۲- آزادی؛ فردی و جمعی

یکی از پرکاربردترین و مناقشه برانگیزترین اصطلاحات در واژگان سیاسی، آزادی است. آزادی واژه‌ای است که هیچ‌کس نمی تواند به مخالفت با آن برخیزد. از این رو فیلسوفان و سیاستمداران، آزادی را آنگونه که مورد پسندشان است، بازتعریف می کنند (تنسی و جکسون، ۱۳۹۲: ۱۱۱). به همین دلیل، تعاریف و برداشت های متفاوتی از این واژه پدید آمده است که اصطلاحاتی نظیر آزادی مثبت، آزادی منفی، آزادی فردی و آزادی جمعی را پدید آورده است. به هر جهت، آزادی فردی و جمعی از شاکله های حکومت و سیاست محسوب می شود. چنان چه گفته می شود اندیشه بنیادی در دموکراسی، حکومت مردم بر مردم است، و این امر صورت پذیر نیست اگر مردم نتوانند نظر خویش را به یکدیگر عرضه کنند (جونز، ۱۳۹۰: ۵۸). تعریف آزادی در نظریه های سیاسی و اعطای آن در عمل، به دیدگاه مکاتب سیاسی و فلسفی بر می گردد که براساس آن به تعریف حدود و دامنه آزادی برای جامعه خود می پردازند. برخی مکاتب اصالت را به فرد می دهند و آزادی بیشتری را به مردم می دهند و برخی نیز با تقدم بر منافع جمعی، به محدودیت آزادی اقدام می کنند. هرچند نمی توان گفت مکاتب جمع‌گرا، به آزادی واقعی نمی نهند.

بدین ترتیب در می‌یابیم که آزادی مفهومی نسبی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله شرایط یک جامعه خاص بستگی دارد. در حقیقت نقش اصلی جامعه را باید در زمینه‌سازی و آماده‌سازی شرایط جستجو کرد. به دیگر سخن، جامعه همچون بستری است که می‌تواند به گزینش‌ها و انتخاب‌های افراد کمک نماید. بنابراین، آثار اجتماعی را نمی‌توان منکر شد. جامعه نقش تعیین‌کنندگی مطلق ندارد، بلکه با شرایط و زمینه‌های خود، نمی‌تواند احتمال نوع انتخاب‌ها و گزینش‌ها را افزایش داده یا کاهش دهد (شمشیری و بدخشان، ۱۳۹۴: ۱۲۲). از طرفی دیگر در جوامع دموکراتیک و وجود شهروندان مسؤولیت پذیر و آگاه، میزان بیشتری از آزادی های فردی و اجتماعی وجود دارد ولی در جوامع بسته و اقتدارگرا، آزادی معنای چندانی پیدا نمی کند. به هر هر جهت، آزادی رابطه ای تنگاتنگ با فردیت و فردگرایی دارد و در جامعه ای که ارزش ها و ایده های افراد از اعتبار بالایی برخوردار هستند، می توان از آزادی سخن گفت. برحسب این رویکرد، فرد یک واحد مستقل و دارای هویتی قائم به ذات است. فرد انتخاب گری خودمختار است و براساس آگاهی از ترجیحات خود دست به انتخاب می زند. در این دیدگاه تنها مرجع تشخیص خیر، خواه بر حق مقدم باشد و یا مؤخر، فرد است و در نتیجه منظور از خیر در هر دو رویکرد «خیر فردی» و به عبارت دیگر خیری است که مرجع قضاوت در مورد خیر بودن آن خود فرد است (لشکری، ۱۳۹۶: ۷۰).

آزادی با حقوق شهروندی و حقوق بین الملل ارتباط پیدا می کند. به این دلیل که شهروندان در عصر جهانی که از آنان با عنوان ملت ها یاد می شود، به دنبال حقوق اساسی و بنیادی خود از جمله آزادی هستند. با این حال، آزادی شهروندان تنها یک حق محسوب نمی شود، آزادی علاوه بر حق، تکالیفی نیز بر عهده انسان می گذارد. در تکلیف شهروندی، انسان به مثابه «شهروند» باید به تکالیفی عمل نماید که این تکالیف در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام عقل جمعی و عمومی است و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی، نماینده مشروع و مقبول آن اجتماع است که نقشی محوری در ترسیم آن

تکالیف دارد؛ بنابراین، تکلیف شهروندی به تکالیفی اطلاق می‌شود که ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی بر آنها تحمیل شده و واجد ضمانت اجرای قانونی قرار گرفته است (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۳). از این دیدگاه، حقوق خصوصی و حقوق داخلی در هر کشوری بر وظایف و تکالیف شهروندان نظارت می‌کنند و این رویکرد تا زمانی که تزاممی با حقوق بین الملل نداشته باشد، می‌تواند مدافع آزادی شهروندان در یک جامعه تلقی شود.

آزادی به عنوان زیربنای شهروندی نیز تلقی می‌شود و نمی‌توان شهروندی را بدون عنصر آزادی تصور کرد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که «شهروندی» وقتی محقق می‌شود که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند و همچنین، شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند. شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء مرتبه شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱). بنابراین آزادی در کنار شهروندی، علاوه بر ایجاد حق برای شهروندان، تکالیفی را نیز به آنان اعطا می‌کند. اعطای آزادی و وجود آن در یک جامعه به پرورش شهروندانی آگاه منجر می‌شود که در نهایت باعث رشد و شکوفایی استعدادهای جامعه و جلوگیری از دست اندازی‌های دولت بر آنان می‌شود. بنابراین قوام و دوام آزادی به فردگرایی ارتباط پیدا می‌کند. فردگرایی وجوه متعددی از قبیل معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و اخلاقی دارد. فردگرایی اخلاقی از جهت اینکه هر فرد را منشأ ارزش‌ها و اصول اخلاقی معرفی می‌کند و این ارزش‌ها را قائم به فرد می‌داند، اهمیت می‌یابد. افزون بر این، فردگرایی اخلاقی در ارتباطی تنگاتنگ با موضع فلسفی در مورد فرد و جامعه است و بنابراین فردگرایی فلسفی و پارادایم‌های مقابل نظیر جمع‌گرایی در این راستا مورد توجه است (لشکری، ۱۳۹۶: ۶۵).

در نهایت اینکه آزادی وجوه متعددی دارد. بنابراین آزادی، طیف متعددی از رفتارهای فردی و شخصی نظیر داشتن عقیده آزاد، مذهب آزاد، دیدگاه سیاسی آزاد و ... تا آزادی اجتماعات و حق انتخاب حکومت را در بر می‌گیرد. بنابراین آزادی به طور طبیعی، حاصل باور به فرد و تمایل به تضمین این نکته است که همه بتوانند هرچو که دوست دارند یا بر می‌گزینند، عمل کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۶۸). علاوه بر این، آزادی اجتماعات نیز از جمله آزادی‌هایی است که از یک بُعد موضوعیت و از بُعد دیگری طریقت دارد. آزادی اجتماعات علاوه بر اینکه خود حقی است مستقل، ابزاری جهت تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، اندیشه و تفکر است (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳: ۱۸۹). به هر حال آزادی، یکی از مباحث اصلی حقوق بین‌الملل و از ضرورت‌های آن به شمار می‌رود.

۳- آزادی و حقوق بین الملل؛ زمینه‌های واگرایی

چنانچه گفتیم آزادی با حقوق و از جمله حقوق بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند. بدین معنا، مسأله آزادی از اساسی‌ترین بحث‌های زندگی آدمی است که در طی تاریخ حیات آدمی مورد توجه بوده است. اهمیت آزادی از آن جهت است که آزادی خواسته همه انسان‌ها است. این اصل در جهان جدید معنای جدیدی پیدا کرده است و از امور ویژه انسان و از مطلوب درجه اول به شمار می‌آید. وقتی از آزادی سخن می‌گوییم، دو معنا را اراده می‌کنیم؛ یکی آزادی به منزله «یک واقعیت» و دیگری آزادی به منزله «یک حق». اما آزادی به منزله یک «واقعیت» چندان مورد بحث و تحقیق در فلسفه سیاسی نیست. آزادی به منزله یک واقعیت چیزی نیست که کسی به کسی اعطا یا کسی از دیگری سلب کند (میرغیائی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). آزادی به منزله واقعیت برای همگان قابل تصور است، اما آزادی به معنای قابل اعطا یا سلب است و از این‌رو آزادی در معنای دوم با حقوق ارتباط پیدا می‌کند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی است که بر آزادی انسان‌ها تأکید کرده است. چنانچه در بند ۱ این اعلامیه چنین آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر مانند برادر رفتار کنند». (اعلامیه جهانی حقوق بشر). بدین ترتیب اهمیت آزادی چنان مهم است که اعلامیه جهانی حقوق بشر به کرات بدان پرداخته است و علاوه بر اصولی که مستقیم به این مسأله اشاره می‌کنند، اصول دیگری نیز وجود دارند که به نوعی با آزادی افراد در ارتباط هستند. بنابراین اسناد و اعلامیه‌های حقوقی بین‌المللی گنجینه‌ای برای آزادی‌های فردی و جمعی محسوب می‌شوند. به علاوه در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این‌گونه بیان شده است:

«هرکس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد. به علاوه هیچ گونه تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی و یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد. خواه کشور مستقل، تحت قیمومیت و غیر خودمختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد». همچنین ماده ۳ بیان می کند که هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. به علاوه مطابق ماده ۴؛ «هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می تواند از این حقوق یا مجتمعاً به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد».

براساس مواد و مفاد اسناد بین المللی حقوق بشر در راستای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است و از هیچ کس مگر به جهت و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون نمی توان سلب آزادی کرد (صادقی زبیری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۲: ۱۷۵). بدین ترتیب، حق آزادی یکی از آزادی های اساسی بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این حق در ردیف آزادی های سیاسی-مدنی و نسل اول حقوق بشر به شمار می رود و تعهدات دولت ها درباره این دسته از حقوق در باب تعهدات به نتیجه است؛ یعنی دولت های عضو میثاق های مربوطه متعهدند بدون ملاحظه امکانات موجود و یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را تضمین و محترم بشمارند (رضوانی، ۱۳۹۵: ۶۸). همین رویکرد باعث می شود تا حقوق بین الملل ورای حقوق خصوصی و داخلی دولت ها قرار گیرد و به عنوان پایه حقوق شهروندی، حقوق فردی و جمعی افراد و جوامع در عرصه های داخلی و بین المللی تلقی شود.

با این حال، اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم ترین سند بین المللی در زمینه حقوق به شمار می رود. به طوری که اغلب سازمان ها و نهادهای بین المللی بدان استناد می کنند. اعلامیه جهانی حقوق، اگرچه در ظاهر به صورت یک اعلامیه تصویب شده است، ولی با توجه به تکرار آن در اسناد بین المللی بعدی حقوق بشر و نیز تأکید بر اهمیت آن در تمام قطعنامه های حقوق بشری صادر شده توسط مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون و متعاقباً شورای حقوق بشر، به خوبی روشن است که مفاد آن جنبه حقوق بین الملل عرفی یافته است. در این خصوص، حتی لازم به توضیح است که کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ در قضیه فیلازنگا به صراحت بیان می کند که این اعلامیه به عنوان یک منبع حقوق بین الملل عرفی تلقی می گردد (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۰-۶۹).

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد نیز یکی دیگر از اسناد مهمی است که به آزادی بیان به عنوان مسأله ای اساسی نگاه می کند. مطابق این میثاق جهانی، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهائی از ترس می باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره مندی هرکس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است؛ با توجه به منشور ملل متحد، دولت ها متعهد به رعایت و احترام به حقوق و آزادی های انسان و ترویج آنها در سراسر جهان می باشند؛ با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسؤولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق می باشند (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). در همین زمینه، در ماده دوم میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد و در بند سوم آن چنین آمده است:

هریک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

- ۱- تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادی هایش که در این میثاق به رسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت مؤثر داشته باشد؛ هرچند این نقض به وسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.
- ۲- در ماده سوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، از مکلف بودن دولت ها در زمینه رعایت آزادی های اساسی انسان ها صحبت به میان آمده است.
- ۳- مطابق این ماده، «دولت های عضو این میثاق تعهد می نمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود».

هرچند طرح همه اسناد و موادی حقوقی بین المللی در زمینه آزادی های فردی و جمعی، از بحث حاضر خارج است، اما به هر حال مواد ذکر شده در اسناد ذکر شده و سایر اسناد بین المللی همواره به عنوان مدافع آزادی در سراسر جهان به شمار می-روند.

۴- نقش حقوق بین الملل در دفاع از آزادی های فردی و جمعی

حقوق بین الملل در عرصه داخلی و بین المللی به عنوان حامی صلح و امنیت جهانی و به تبع آن دفاع از آزادی فردی و جمعی افراد مشهور است. این رویکرد باعث توجه همه جانبه به امنیت فردی در مقابل دولت ها و نظام های سیاسی است و می تواند منبعی برای دفاع از حقوق بنیادین انسان ها محسوب شود. در این معنا، آزادی خواهی در مشخص ترین تعبیر معاصرش بر اهمیت وجدان و عدالت در سیاست تأکید می کند؛ از حقوق اقلیت های نژادی و دینی حمایت می کند و پشتیبان آزادی های مدنی و مدافع احقاق این حق است که هر فرد معمولی باید در تصمیم هایی که مستقیماً به او مربوط می شود، به نحوی هرچه مؤثرتر طرف مشورت قرار گیرد (میر غیائی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). چنان چه از متن مفاد ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، می توان این گونه نتیجه گرفت که آزادی و امنیت شخصی یکی از حقوقی است که برای همه انسان ها به رسمیت شناخته شده و دولت ها موظف به پاسداری از آن شده اند. بر پایه این حقوق افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنایی باشد که تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر انجام گیرد و هرچه زودتر دادرسی عادلانه درباره کسانی که آزادی شان سلب شده است، به عمل آید و اشخاص دستگیر شده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند (صادقی زبیری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۷۴). به عنوان مثال، در ماده نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است:

«هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچ کس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند» (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). به علاوه در همین راستا، نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، اولین ماده این میثاق نیز به آزادی ملل اختصاص دارد.

۱- کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل، وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می کنند.

۲- کلیه ملل می توانند برای نیل به هدف های خود در منابع و ثروت های طبیعی خود بدون اخلاف به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ موردی نمی توان ملیت را از وسایل معاش خود محروم نمود.

۳- کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسؤول اداره سرزمین های خودمختار تحت قیمومیت مکلف اند، تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت نمایند (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).

هر دو میثاق با توجه به ضرورت های آزادی در نزد آحاد بشری و ضرورت حفاظت از آن، رویکردهایی در زمینه مسائل سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی مطرح کرده اند که ضامن صلح، امنیت و توسعه بشری به شمار می رود. اسناد موجود همچون شمشیر داموکلس بر سر حقوق داخلی کشورها نیز قرار دارد. هرچند ضمانت اجرای اسناد و میثاق های بین المللی چندان مؤثر نیست. ضمن اینکه بیش از اینکه ملت ها از منافع میثاق های مذکور بهره مند شوند، دولت ها از آن به نفع خود استفاده می کنند. بدین معنا با وجود حق توسعه که به عنوان حق افراد، مردم و دولت ها مطرح شده است، این حق بیشتر به عنوان حق دولت مورد توجه قرار گرفته است و جنبه فردی این حق به شدت مغفول مانده است (صلح چپی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

هرچند بررسی موضوع آزادی فردی و جمعی در اسناد حقوق بین الملل حاکی از تسلط آزادی منفی (عدم قدرت خارجی که مخل آزادی فردی باشد)، می باشد، اما با این حال، آزادی مثبت به معنای فراهم بودن شرایطی برای شکوفا شدن استعداد های افراد مدنظر است. چنان چه با بررسی اسناد بین المللی نتیجه گرفته می شود که حق آزادی بیان فقط در معنای خاص آن یعنی سخن گفتن و آزادی کلام (Freedom of Speech) به کار نمی رود، بلکه مصادیق گوناگونی از جمله حق

دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی های جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت و دیگر شبکه های خبری، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری (همچون نقاشی، فیلم، سینما و تئاتر)، حق تبلیغات تجاری را نیز شامل می گردد. در واقع مفهوم عام عبارت (Freedom of Expression) به کار می رود (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۴).

همچنین در ماده پنجم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دخالت دولت ها به عنوان خطرات تهدیدکننده آزادی فردی و جمعی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده:

«هیچ یک از مواد این میثاق نباید به نحوی تفسیر گردد که به موجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هریک از حقوق و آزادی های شناخته شده در این میثاق می گردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنکه در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید». (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). ضمن اینکه تعهد به قوانین حقوق بین الملل عمومی راهکار مؤثرتری نسبت به حقوق بین الملل خصوصی و حتی حقوق داخلی کشورها ایجاد می کند. به این دلیل که هرچند دولت ها برای انتظام امور اتباع خود قوانینی دارند، اما به هنگام ارتباط این اتباع با اتباع خارجی، دولت ها نیاز دارند تا نظامی برای تعیین صلاحیت خود وضع کنند که از آن به «حقوق بین الملل خصوصی» یاد می شود. اما مشکل آنجاست که دولت مقابل نیز با همین دیدگاه، حقوق بین الملل خصوصی خاص خود را دارد؛ ناگزیر این دو نظام حقوقی در مواردی با یکدیگر تعارض می یابند. لذا برای رفع تعارض چاره ای جز تحدید حدود نظام های حقوق بین الملل خصوصی نیست؛ این مهم جز از طریق «حقوق بین الملل عمومی» امکان پذیر نیست. بنابراین تعیین مشروعیت صلاحیت قانونی و قضایی یک دولت، مستلزم انطباق حقوق بین الملل خصوصی با حقوق بین الملل عمومی است (ضیایی، ۱۳۹۰: ۴۳). بدین ترتیب حقوق بین الملل به شکل مطلوب تری می تواند حافظ آزادی های فردی و جمعی انسان ها تلقی شود.

۵- راهکارهای تحقق آزادی های فردی و جمعی در حقوق بین الملل

به نظر می رسد برای تحقق آزادی های فردی و جمعی در حقوق بین الملل نیازمند تکیه بر اسناد بین المللی در این زمینه هستیم. به طوری که زمینه های تفسیر اسناد و اعلامیه بین المللی توسط دولت ها از بین برود. توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر می تواند مؤثرترین راهکار تلقی شود. از این جهت، امروزه توسعه حقوق بشر دو بُعد دیگر نیز دارد؛ نخست، افزایش حمایت از حقوق موجود در تمام سطوح، از جمله سطح ملی، منطقه ای و جهانی از طریق قانون گذاری، تفسیر مفاد معاهدات حقوق بشر توسط نهادهای ناظر، تقویت نظام اجرایی، تصویب پروتوکل های الحاقی و فعالیت های سازمان های مردم نهاد. دومین بُعد از توسعه حقوق بشر در جهان معاصر توسعه و گسترش تعداد این حقوق است. در واقع، در نظام حقوق بشر-که هنوز در مراحل اولیه توسعه خود قرار دارد-سعی شده است تا براساس نیازهای در حال تغییر و فزاینده بشر، حقوق جدیدی به لیست قدیمی افزوده شود. این امر موجب پویایی و توسعه حقوق بشر می شود، اما نمی توان هر ادعایی را جزو این حقوق قرار داد (صلح چی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

چنان چه در بند الف، ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است که «هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد». همچنین به موجب، بند ب ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس را نمی توان مجبور به شرکت در اجتماعات کرد». ضمن اینکه سایر اسناد بین المللی نظیر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که با الگوبرداری از اعلامیه جهانی حقوق بشر نوشته شده است، در ماده بیست و دوم خود چنین آورده است:

- ۱- هرکس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت از علاقه مندی ها و منافع خود می باشد.
- ۲- اعمال این حق تابع هیچ محدودیتی نیست مگر اینکه محدودیت ها مطابق قانون آن هم در یک جامعه دموکراتیک و به طور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی های دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی شود که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیت های قانونی باشند.

نکته مهم تر آنکه، میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، دخالت دولت ها را مجاز نمی شمارد و تنها از آنان می خواهد حقوق مندرج در این قوانین را رعایت کنند. به موجب یکی از اصول مربوطه در این زمینه: «هیچ یک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاله نامه سازمان بین المللی کار، مورخه ۱۹۸۴ که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از مشکل

شدن است، مجاز نمی‌شمارد که با اقدامات قانون گذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های ارائه شده در این مقوله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد کنند» (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶).

در حوزه آزادی جمعی نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، معاهداتی را در نظر گرفته است. به عنوان مثال، در ماده هشتم چنین آمده است:

۱- حق هرکس به این که به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب ملحق شود. اعمال این حق را نمی‌توان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیتی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادی های افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

۲- حق اتحادیه ها (سندیکاها) که به تشکیل فدراسیون ها یا کنفدراسیون های ملی و حق کنفدراسیون ها به تشکیل سازمان های سندیکایی بین المللی یا الحاق به آنها.

۳- حق اتحادیه ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند، بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادی های دیگران ضرورت داشته باشد.

۴- حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).

به نظر می‌رسد در اکثر قوانین اساسی، حق آزادی عمل و یا حق آزادی بیان به عنوان یک حق بنیادین تضمین شده است، بنابراین هرگونه ایجاد محدودیت برای این حق‌ها چه از جانب قانون‌گذار و چه از جانب دادگاه‌ها خلاف قانون اساسی تلقی خواهد شد. اما دادگاه قانون اساسی و یا مرجع قانون گذاری می‌تواند برای حفظ حق بنیادین دیگر که در اوضاع و احوال خاص بر حق آزادی عمل و یا حق آزادی بیان ترجیح دارد، آنها را محدود نماید و به نوعی بین دو حق بنیادین به عنوان اصول حقوق تعادل ایجاد نماید. با پذیرش حقوق بنیادین به عنوان اصول، راه برای اعمال این حقوق در حقوق قراردادها باز می‌شود، چرا که اصول حقوقی همانند نور خورشید بر کل نظام حقوق می‌تابد به گونه‌ای که هیچ دلیلی برای نقض آن و عدم اجرای آن پذیرفتنی نیست و حقوق قراردادها به عنوان بخشی از حقوق نمی‌تواند خود را مصون از نفوذ آن بداند (حاجی پور، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱). بنابراین پذیرش قواعد حقوقی بین‌المللی در زمینه‌های مختلفی نظیر حقوق بشر، قضایی، آموزشی، توسعه فرهنگی و اقتصادی تا اطلاع ثانوی می‌تواند به عنوان حافظ آزادی‌های فردی و جمعی نیز تلقی شود.

از منظر حقوق بین الملل و حفاظت از آزادی های فردی و جمعی افراد باید گفت هر حق بشری حامل یک وظیفه است و در طی توسعه حقوق بشر، این حقوق به‌عنوان تعهدات الزام‌آور شناخته شده‌اند. تعهدات ممکن است مختلف باشند، مانند تعهدات مثبت یا منفی. هرچند در خصوص حقوق فردی همیشه این تعهدات بر عهده دولت هستند، اما در خصوص «حقوق مردم» این حقوق، موظفان مختلفی دارد؛ افراد، گروه‌ها (از جمله مردم) دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی (صلح چپی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۶۰). چنان چه مواد اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی طیف متعددی از آزادی منفی و مثبت را شامل می‌شود. به عنوان مثال، در ماده هجدهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است:

۱- هرکس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده ای، به انتخاب خود است. همچنین هرکسی در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود به طور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.

۲- در این موارد هیچ کس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که براساس انتخاب خودش انجام گرفته است، آسیب رساند.

۳- در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که به موجب قانون آن هم جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.

۴- کشورهای عضو این میثاق، متعهد می‌گردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم بشمارند (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶).

در زمینه حقوق قضایی نیز حقوق بین الملل، محدودیت ها و امکاناتی را پیش روی دولت ها گذاشته است. به عنوان مثال، بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این باره مقرر می دارد: «هرکسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می گردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون قدرت قضایی را اعمال می کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد، نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد به صورت قاعده عمومی کلی درآید». ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر نموده است: «توقیف متهم نباید از مدت معقول تجاوز نماید». (صادقی زیاری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۸۵). در زمینه آزادی جمعی نیز حق اعتراض و انتقاد چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی برای افراد صرفنظر از تفاوت های نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی و گرایش سیاسی محفوظ مانده است. حقوق بین الملل در موارد متعددی این مسأله را به دولت ها هشدار داده است. به عنوان مثال، آزادی اجتماعات یکی از انواع آزادی های منفی به شمار می رود که تحقق هرچه بیشتر این آزادی با عدم مداخله دولت صورت می پذیرد ولی این موضوع نافذ تعهدات مثبت دولت ها نیست، بلکه در پاره ای از موارد تأمین امنیت اجتماع کنندگان که جنبه مثبت دارد، دولت باید آزادی مزبور را تضمین کند. آزادی اجتماعات در کنار آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و وجدان، جزو آزادی های مدنی کلاسیک است (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

علاوه بر آزادی منفی و توجه به ابعاد فردی و جمعی آن از منظر حقوق بین الملل، به دولت ها توصیه شده است که آزادی مثبت را نیز مدنظر قرار دهند. بدین معنا که با شرط عدم دخالت (آزادی منفی)، زمینه ساز تعالی انسان ها در جامعه خود شوند (آزادی مثبت). یکی از جنبه های آزادی مثبت در بُعد فردی و جمعی، توجه به مسأله آموزش به عنوان زیربنای توسعه فرهنگی است. چنان چه علاوه اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، در ماده ۱۳، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، بر مسأله آموزش آزادانه نیز تأکید داشته است. به موجب یکی از اصول این میثاق:

«کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می شناسد. کشورهای مزبور دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمودی کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. علاوه بر این، کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید» (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶). مسأله آموزش و حق بر آموزش افراد از جمله کودکان یکی از مهم ترین اهداف اعلامیه حقوق بشر به شمار می رود. به طوری که سازمان ملل هر ساله هزینه های زیادی در این زمینه صرف می کند. این موضوع هر دو جنبه آزادی فردی و جمعی را دربر می گیرد. در واقع بُعد فردی حق بر آموزش، برای حق کودک و والدینش در برابر جامعه و دولت، اولویت و برتری قائل می شود. جنبه اجتماعی حق بر آموزش ایجاب می کند که دولت، کنترل آموزش را در جامعه به عنوان امری عمومی بر عهده گیرد و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های لازم را برای موجود بودن، در دسترس بودن، با کیفیت بودن و قابل انطباق بودن آموزش با نیازهای کودکان صورت دهد (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

از ویژگی های مهم برخی اسناد بین المللی در زمینه حقوق افراد این است که دولت ها را به رعایت برخی موارد در زمینه حفظ و پاسداری از آزادی های افراد مکلف می کند. به طوری که در میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی واژه «تضمین کردن» به کار رفته است. این واژه به خوبی تصریح می کند که دولت های عضو میثاق ملزم هستند یک رشته اقدامات ایجابی و مثبت را برای تحقق کامل حقوق حمایت شده تحت میثاق انجام دهند، در نتیجه کافی نیست دولتی اظهار نماید که در اعمال این حق مانع ایجاد نکرده و مداخله ننموده است، بلکه دولت مکلف است وسایل احقاق حق را فراهم کند و باید هم با وضع قوانین و مقررات ضروری در این عرصه و هم با ایجاد و تقویت یک سیستم قضایی کارآ و دارای کیفیت و قابل اتکا و مبتنی بر اصول دموکراسی و شایسته سالاری زمینه های لازم برای احقاق حق افراد نسبت به حقوق انسانی را فراهم نماید (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۰). علاوه بر دفاع از آزادی بیان، عقیده، اجتماعات، مذهب و ... از سوی اسناد بین المللی، در زمینه آزادی های اقتصادی شهروندان در سراسر جهان نیز مواردی دیده می شود. به عنوان مثال، در ماده ششم میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در زمینه حقوق و آزادی مالکیت این گونه بیان شده است:

الف. کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هرکس است به این که فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می نماید معاش خود را تأمین کند، به رسمیت و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

ب. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه ای و طرح برنامه ها و خط مشی ها و تدابیر فنی باشد، که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید» (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶). بدین ترتیب اسناد بین المللی حقوقی در زمینه های گوناگونی از آموزش کودکان تا دفاع از مالکیت و حقوق مالی افراد گرفته تا حق آزادی های شخصی و خصوصی و حق اجتماعات برنامه ها و اعلامیه های متعددی به دولت ها ابلاغ کرده اند که اجرایی شدن آنان به عواملی نظیر همکاری دولت ها، پذیرش قواعد حقوق بشر به عنوان سندی برتر و جهانی و توجه به ارزش های سایر جوامع در تدوین تغییرات حقوق بشری است.

نتیجه گیری

با توسعه حقوق بین الملل در عرصه های گوناگون و از جمله در عرصه آزادی های فردی و جمعی، فضا برای گسترش صلح و امنیت بین الملل فراهم تر شده است. اما این فراهم بودن به معنای رعایت حقوق فردی و جمعی در نزد نظام های سیاسی در سراسر جهان نشده است. به طوری که حتی قوانین حقوقی الزام آور بین المللی همچنان نتوانسته اند قواعد خود بر کشورهای مختلف بقبولانند و زمینه ساز صلح و امنیت بین المللی شوند. ضمن اینکه عدم سازگاری حقوق بین الملل عمومی و حقوق خصوصی مدنظر کشورهای مختلف، تسلط رویکردهای غربی بر حقوق بین الملل در سازمان مختلف بین المللی، عدم نقش آفرینی کشورهای در حال توسعه در تهیه و تدوین لوایح حقوق بشری و حقوق بین الملل و همچنین عدم ضمانت اجرای قوانین حقوق بین الملل از جمله چالش هایی است که اجرای حقوق بین الملل را با دشواری روبرو کرده است.

با این حال، و علیرغم همه محدودیت ها و چالش های داخلی در کشورها و عرصه نظام بین الملل، حقوق بین الملل همچنان بر فراز حقوق داخلی کشورها ایستاده است و خود را متولی برقراری صلح و امنیت بین المللی قلمداد می کند. در این زمینه نیز آزادی بیان در حوزه های فردی و جمعی به عنوان یک اصل بدیهی و خدشه ناپذیر مطرح می شود که رعایت اصول و قواعد آن توسط همه کشورها، انجمن ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و ... ضروری اعلام شده است. این موضوع هم در قالب توصیه ها و اعلامیه غیرالزام آور و هم در قالب فشار و اجبار کشورهای گوناگون دنبال می شود. در اصل، سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل متحد برای تبیین لزوم شکل گیری اصول و هنجارهای جهانشمولی نظیر حقوق بشر و آزادی های اساسی مندرج در آن، نقش قابل ملاحظه ای ایفا کرده اند. به طوری که اصل آزادی و شاخه های منبعت از آن نظیر آزادی بیان، آزادی مذهب، عقیده، حق اجتماعات فردی و جمعی و ... به صورت یک اصل خدشه ناپذیر در عرصه حقوق بین الملل درآمده است که نقض موارد آن با واکنش نهادهای مزبور روبرو می شود حتی دولت های ناقض آن نیز در پرتو حقوق بین الملل به عنوان خاطی و ناقض حقوق بشر شناخته می شوند. به نظر می رسد علیرغم تلاش گسترده نهادهای مرتبط با حقوق بین الملل، فاصله زیادی تا رسیدن به آرمان های آزادی های فردی و جمعی وجود دارد و البته خطرات نوظهوری نظیر تروریسم و سلطه ابرقدرت ها بر تدوین این حقوق بر سر نظام های سیاسی در حال توسعه سنگینی می کند. با این حال، فرایند جهانی شدن و رشد ارتباطات این امید را پدید آورده که آزادی های فردی و جمعی با جدیت و حساسیت بیشتری پیگیری شود. گسترش شبکه های اجتماعی و ظهور سازمان ها و نهادهای غیردولتی متعدد نیز بر این امیدواری افزوده است.

منابع

- اسلامی و کمالوند، رضا و محمد مهدی (۱۳۹۳)، چالش های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۰، بهار و تابستان ۹۰، صص ۲۲۲-۱۸۷.
- انصاری، باقر (۱۳۹۲)، حق کودک به آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۶، بهار ۹۲، صص ۱۴۶-۱۱۵.

- تنسی و جکسون، استیون دی و نایجل (۱۳۹۲)، مبانی سیاست، ترجمه جعفر محسنی دره بیدی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- جاوید، صادقی و شفیق زاده خولنجانی، محمد، محمد و مصطفی (۱۳۹۱)، نسبت «تکالیف طبیعی» و «تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۹۱، صص ۸۳-۱۱۶.
- جونز، پیتز (۱۳۹۰)، آزادی بیان، در فلسفه و جامعه و سیاست، آثاری به قلم و درباره ماریو بارگاس یوسا و دیگران، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.
- حاجی پور، مرتضی (۱۳۹۵)، تأثیر حقوق بنیادین بشری بر آزادی قراردادی، فصلنامه پژوهش های حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیستم، پاییز ۹۶، صص ۳۵-۶۲.
- رضوانی، حسین (۱۳۹۵)، حق آزادی بیان و مسؤولیت بین المللی کشورها در قبال آن، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره ۴، زمستان ۹۵، صص ۶۵-۹۲.
- شمشیری و بدخشان، بابک و نعمت الله (۱۳۹۴)، نسبت فرد و جامعه در نگاه اسلامی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال بیست و یکم، شماره چهارم (پیاپی ۱۰۷)، زمستان ۹۴، صص ۱۰۳-۱۳۳.
- صادقی زبیری و صادقی منش، حاتم و مهران (۱۳۹۲)، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۳، صص ۱۹۰-۱۷۱.
- صلح چی و درگاهی، محمدعلی و رامین (۱۳۹۲)، بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان ۹۲، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۰)، مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین الملل عمومی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۶، زمستان ۹۰، صص ۵۲-۹.
- لشکری، علیرضا (۱۳۹۶)، مصالح فردی و عمومی از منظر اسلام و مکاتب رقیب، جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۴، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۹۶، صص ۶۳-۸۸.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶.
- میرغیائی، عبدالله (۱۳۹۳)، اصل آزادی به منزله یک حق و ظهور جریان های فکری در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۹۳، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.